

فصلنامه مدیریت عملیات

سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری

در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین

(مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

صدیقه طوطیان اصفهانی*

حسین اسلامی مفید آبادی**

الهه برخوردار***

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. روش پژوهش حاضر بر مبنای هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده‌ها نیز یک پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. روش پژوهش حاضر بر مبنای هدف یک پژوهش از نوع توصیفی (پیمایشی)-تحلیلی (همبستگی) است، از نظر فرایند اجرا کمی-کیفی، از نظر نتیجه اجرا نیز کاربردی و از نظر زمانی نیز یک پژوهش مقطعی است. جامعه پژوهش نیز شامل مشارکت‌کنندگان فعال بورس اوراق بهادار تهران شامل؛ خبرگان دانشگاهی و فعالان بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران، معامله‌گران، کارگزاران رسمی بورس اوراق بهادار ایران می‌باشد. نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و طبق جدول کرجسی و مورگان به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اطلاعات میدانی و پرسشنامه نیمه ساختاریافته انجام گردیده است. همچنین، روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌های استاد راهنما و مشاور و چند نفر از افراد خبره در این زمینه مورد تأیید قرار گرفته و برای تعیین میزان پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و روایی پرسشنامه نیز برابر ۰/۷۹۲ شده است. به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که بین راهبردهای خودکنترلی، راهبردهای سواد مالی مدیران (مدیریت پول و پس‌انداز، مدیریت تأمین مالی و اعتباری و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری) و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط آماری معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: خودکنترلی، سواد مالی، کیفیت تصمیم‌گیری، مسائل مالی، فرایند زنجیره تأمین.

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه مدیریت، واحد تهران غرب دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: tootian_ir@yahoo.com).

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهریار، گروه حسابداری و مدیریت، شهریار، ایران (Email: hossein_eslami@shriau.ac.ir).

*** کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

قلمرو فعالیت‌های حوزه مالی در اقتصادهای نوظهور و در حوزه پیشرفت‌های جهانی که در زمینه فناوری و مقررات زدایی رخ داده منجر به گسترش دسترسی به انواع محصولات مالی شده است؛ بنابراین، تعداد روبه رشدی از مصرف‌کنندگان توسط عرضه‌کنندگان فعلی و آتی از طریق مکان‌های سنتی و نوین (دیجیتالی) از جمله مؤسسات مالی سنتی، بانک‌های برخط^۱ و شرکت‌های تلفن همراه محصولات و خدمات مالی عرضه می‌شوند و از این طریق به معرفی محصولات و خدمات مالی کمک می‌کنند. این در حالی بوده که بسیاری از محصولات موجود شامل مزایای متنوعی بوده و در رسیدن به بهبود رفاه اقتصادی و مالی افراد کمک می‌کنند، البته، به‌طور کلی بسیاری از آن‌ها هم از نظر پیچیدگی چالش‌ها و خطرات جدیدی را ایجاد نمودند. این در حالی است که بسیاری از محصولات موجود با وجودی که دارای مزایا و کمک به بهبود وضعیت رفاه مالی بوده، اما در مقابل بسیاری از آن‌ها نیز پیچیده بوده و چالش‌ها یا خطرات جدیدی را به همراه دارند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۹). از این‌رو، پیدایش پدیده‌های جدید و یا تحولات وسیع در پدیده‌ها، در برخی موارد باعث شکل‌گیری مفاهیم جدیدی می‌شود و یا مفاهیم قبلی، تحول‌یافته و شکل و اهمیت جدیدی به خود می‌گیرد. در عصر حاضر با شکل‌گیری نوع جدیدی از تحولات اقتصادی و مالی، لازم است افراد از آگاهی‌ها و توانمندی‌های خاصی برای مواجهه با پیچیدگی‌های به وجود آمده برخوردار باشند. در چنین شرایطی با وجود تنوع، پیچیدگی بازارهای مالی و تحولات سریع در آن، داشتن مهارت‌ها و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده اطلاعات مالی و در یک کلام داشتن سواد مالی ضروری خواهد بود. سواد مالی، مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. عدم درک اقتصاد و امور مالی، یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از دست رفتن رفاه ناشی از عدم مشارکت در بازارهای سرمایه در اثر فقدان سواد مالی بسیار قابل توجه است. واضح است که سرمایه‌گذاران ناآگاه و فاقد سواد مالی کافی، قادر به استفاده کامل از بازار مالی و انتخاب

¹.Online

².Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

عقلانه که منجر به سرمایه‌گذاری کارآمد خواهد شد، نخواهد بود (ون روژ و لوساردی^۱، ۲۰۱۱). همچنین، اختلاف مالی یک شکایت در مورد ارائه خدمات مالی است؛ که با در اختیار داشتن نامناسب و ناکافی سواد مالی و آگاهی از ریسک، همراه با عدم تقارن اطلاعات موجود بین مؤسسات مالی و عمومی، موارد تقلب شامل کارت‌های اعتباری، بانکداری آنلاین، دستگاه خودپرداز، مشاوره سرمایه‌گذاری و جمع‌آوری کمک‌های غیرقانونی رخ می‌دهد اغلب، تحمیل درد و رنج قابل توجه و ضرر و زیان به عموم مردم است. حل اختلاف مالی یک جنبه ضروری حفاظت سرمایه‌گذار است (شن و همکاران^۲، ۲۰۱۶). مولایی ورزنه و رستمی (۱۳۹۵)، طی پژوهشی که در خصوص موضوع بررسی رابطه بین اختلافات مالی و سواد مالی شرکت‌های مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان آنجا دادند، نشان دادند که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد. همچنین، در پژوهش آن‌ها یافته‌های بخش جمعیت شناختی نیز نشان داد که بین ویژگی‌های جمعیت شناختی با سطح سواد مالی و نیز تجربه و اختلاف مالی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

بنابراین، یکی از مسائل اصلی در عملکرد کارای بازارهای مالی، موضوع سواد مالی مشارکت‌کنندگان فعلی یا بالقوه است. سیاست‌گذارانی که بر اساس نظریه‌های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که حداقل سطح سواد مالی لازم برای مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی، باید به چه میزان باشد تا اهداف مدنظر تحقق یابند و همچنین باید از سطح سواد مالی مشارکت‌کنندگان در دوره‌های زمانی مختلف، ارزیابی؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معنادار وجود دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال می‌تواند برای مدیران، برنامه‌ریزان سیاست‌گذاران در خصوص در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها در بازار سرمایه مفید واقع شود.

^۱. Wenroj & Losardi

^۲. Shen et al

۲- مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

سواد مالی و کیفیت تصمیمات سرمایه‌گذاری

پیدایش هر برساخته‌ی نظری با شرایط اقتصادی- اجتماعی مشخصی پیوند دارد. مفاهیم نظری در خلأ ایجاد نمی‌شوند و بازتاب تعیینات زندگی اجتماعی هستند. سواد مالی به‌عنوان مفهومی نظری از این قاعده مستثنا نیست (اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۱). سواد مالی^۱ اولین بار در سال ۱۹۹۷ میلادی در ایالات متحده و طی مراسم افتتاحیه ائتلاف عزم برای سواد مالی فردی^۲ مطرح شد. این ائتلاف در گزارش خود درباره مطالعه‌ای که برای سنجش میزان سواد مالی دانشجویان دبیرستان انجام داده بود، سواد مالی را توانایی یک فرد در استفاده از دانش و مهارتش برای مدیریت اثربخش منابع مالی خود به‌منظور امنیت مالی در طول عمر تعریف کرد (جامپ استارت کوالیشن، ۲۰۰۷). در میان محافل دانشگاهی، نیز سواد مالی معانی متعدد یافته است و از آن برای ارجاع به دانش درباره محصولات مالی (برای مثال، اوراق سهام در برابر اوراق قرضه، تفاوت میان اوراق رهنی با نرخ ثابت و نرخ شناور و غیره)، دانش درباره مفاهیم مالی (تورم، بهر مرکب، تنوع، امتیازهای اعتباری و غیره)، داشتن مهارت‌های ریاضی یا عددی لازم برای تصمیم‌گیری مالی مؤثر و درگیر بودن در فعالیت‌های معینی مانند برنامه‌ریزی مالی استفاده می‌شود (هاستینگز، مادریان و اسکیمهورن^۳، ۲۰۱۲). در این زمینه پژوهشی با موضوع سطح سواد مالی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری جامعه سنگاپور، در سال (۲۰۰۵) میلادی توسط انجام شد؛ در این پژوهش این سؤال بررسی شد که آیا اهالی سنگاپور در مورد محصولات و خدمات مالی عمومی اطلاعات دارند و اینکه آیا آن‌ها تصمیم‌گیری‌های مؤثری در مدیریت امور مالی و سرمایه‌گذاری خود اتخاذ می‌کنند؟ نتایج این پژوهش نشان داد که اهالی سنگاپور یک نگرش سالم به سمت مدیریت اولیه پول، برنامه‌ریزی مالی و امور سرمایه‌گذاری دارند. اغلب اهالی سنگاپور وجه نقد پس‌انداز می‌کنند و بر مخارج شخصی خود نظارت دارند و برخی از برنامه‌ریزی‌های مالی اساسی را خودشان انجام می‌دهند. در خصوص تعریف سواد مالی می‌توان گفت که سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان به شرح زیر تعریف شده است: توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در

^۱. Financial literacy

^۲. Jump Start Coalition for Personal Financial Literacy

^۳. Hastings, J. S., Madrian, B. C., & Skimmyhorn, W. L.

استفاده از منابع پولی و مدیریت آن. پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی، مبدل به یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی شد، به طوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و غیره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت در تائید این مدعا به تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و اجرای برنامه‌های آموزشی متعدد در راستای ارتقاء سواد مالی در کشورهای مختلف به ویژه آمریکا می‌توان اشاره داشت. به نحوی که تقریباً اغلب ایالت‌های این کشور سرفصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و هر ۲ سال یکبار نسبت به آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می‌نماید. در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی (سواد مالی) به عنوان بخشی از برنامه‌های آموزش ملی دیده شده است (ایزدی، ۱۳۹۱).

سواد مالی را در اختیار داشتن دانش و درک از مسائل مالی تعریف نموده‌اند. سواد مالی است عمدتاً در ارتباط با مسائل مالی شخصی استفاده می‌شود. سواد مالی اغلب مستلزم دانش درباره درستی تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مالی شخصی ویژه‌ای مانند املاک و مستغلات، بیمه، سرمایه‌گذاری، صرفه‌جویی (به خصوص برای دانشگاه)، برنامه‌ریزی مالیاتی و بازنشستگی است. برخی صاحب‌نظران آن را شامل دانش صمیمی از مفاهیم مالی مانند ترکیب علاقه، برنامه‌ریزی مالی، سازوکارهای استفاده از کارت‌های اعتباری، روش صرفه‌جویی سودمند، حقوق مصرف‌کننده، ارزش زمانی پول و غیره دانسته‌اند (لوساردی و میشل^۱، ۲۰۰۷).

تعریف استاندارد سواد مالی عبارت است از «داشتن دانش، مهارت و اعتماد به نفس برای اتخاذ تصمیمات مالی سخت». محیط نهادی نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مالی دارد و بر انتخاب‌ها و کمیت و کیفیت اطلاعات و محرک‌های مرتبط تأثیر بسیار دارد. سواد مالی، مورد توجه روزافزون دولت‌ها و سایر خط‌مشی‌گذاران دولتی است. پژوهش‌های انجام شده در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ (OECD) نشان می‌دهند که سواد مالی افراد و خانوارها، قطع نظر از میزان درآمد و تحصیلات، بسیار پایین است، اما در میان گروه‌های کم‌درآمد و با تحصیلات پایین، میزان آن، بسیار کمتر است. به نظر می‌رسد حتی مالکان سهام

^۱. Losardi & Mishel

^۲. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

و معامله‌گران دارایی‌های مالی نیز در پی ارتقای سطح سواد مالی خود نیستند (لوساردی و میشل، ۲۰۰۷).

اکثر افراد به‌دشواری پاسخی برای پرسش از بهره‌ی مرکب، تورم، یا تنوع ریسک دارند و شناخت زیادی از بودجه‌ریزی و برنامه‌های صرفه‌جویی و اطلاعات عمومی مالی ندارند. به نظر می‌رسد شکاف عمیق در سواد مالی در کانادا، آمریکا، بریتانیا، استرالیا، نیوزلند، کره و هلند موجب نگرانی زیادی شده، حال این‌که پیچیدگی محصولات و خدمات مالی در بازار این کشورها رو به رشد است و اهمیت تصمیم‌گیری مالی توسط افراد و جامعه در مقیاس بزرگ‌تر رو به افزایش دارد. موضوع سواد مالی، مسئله‌ی نقش بالقوه‌ای را که آموزش، اطلاعات کیفی و محرک‌های بهبود تصمیمات را پیش می‌کشد. می‌توان گفت افراد بدون داشتن آموزش کافی، مجموعه‌ی اطلاعات و انگیزه نمی‌توانند بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند. برای ارتقای سواد مالی، آموزش مالی باید آموزنده‌تر باشد و به نحوه‌ی اتخاذ تصمیمات کارآمد در مورد موضوعات مالی، مانند نقش حقوق، استفاده از کارت‌های اعتباری، بودجه‌ریزی خانوارها، وام‌ها و سرمایه‌گذاری در بازار سهام بپردازد. بهبود اطلاعات متناسب و تمرکز بر کیفیت (و صحت)، امکان استفاده‌ی مؤثر از آموزش مالی را میسر می‌کند. آموزش مالی و اطلاعات کیفی در ترکیب باهم، اجزای کلیدی سواد مالی مؤثر هستند (لوساردی و میشل^۱، ۲۰۰۷).

خودکنترلی و تعهدات اخلاقی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات و تصمیمات سرمایه‌گذاری

در خودکنترلی هدف سنجش میزان سلامت شخصیت ابرازشده در بلوغ فکری و اخلاقی است که تا چه میزان در مواجهه با مشکلات از خود مقاومت نشان می‌دهد (تابان و همکاران، ۱۳۹۱). شاخص خودکنترلی چون درونی است و با میل و رغبت فرد انجام می‌شود، به‌طور بنیادی در بهبود عملکرد استنادی فرد مؤثر واقع می‌شود و به‌نوعی حامل این پیام است که ارزش و خواسته‌های جامعه (در اینجا رفتار صحیح استنادی) در فرد درونی و نهادینه‌شده و چنین حالتی می‌تواند بهترین وضعیت برای جامعه باشد. شاخص موردنظر بعدی سطح برخورداری از رشد اخلاقی است که در این حوزه روانشناس معروف لارنس کلبِرگ^۲،

^۱.Lousardi & Mishel

^۲. Kohlberg, L., Likona, T. ed.

گسترش‌دهنده استدلال اخلاقی تا بزرگ‌سالی است (کلیبرگ، ۱۹۷۶). از آنجاکه کلیبرگ به دیدگاه شناختی تمایل داشت، معتقد بود که رشد اخلاق و تحول شناختی رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ دارند. میزان رشد اخلاقی و قرار گرفتن در سطوح بالاتر که تا حد زیادی تحت تأثیر محیط و آموزش قرار دارند و می‌توانند در نوع استدلال اخلاقی برای خودداری از رفتار ضد ارزش و رعایت اصول اخلاقی حاکم مفید باشد. به نظر می‌رسد با افزایش سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی نویسندگان بتوان آن‌ها را در برابر فشارهای بیرونی احتمالی واکسینه نمود. برای آزمون این فرض در پژوهش‌های زیادی سعی کردند تا این دلایل و انگیزه‌ها در چارچوب سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی را مورد بررسی قرار دهند (حسینی آهنگری و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، مدیران مالی هم به‌نوبه خود به‌عنوان جزء مهمی از سرمایه انسانی سازمان نقش مؤثری را در ارائه اطلاعات و شفافیت محیط اطلاعاتی واحد تجاری ایفا کرده و از افشای اطلاعات به‌عنوان ابزاری برای انجام مسئولیت پاسخ‌گویی و ایفای تعهد کاری خود استفاده می‌کنند. انتظار می‌رود که خصوصیات و ویژگی‌های فردی مدیران بر کیفیت افشای اطلاعات تأثیر داشته باشد (محمدی و فخاری، ۱۳۹۵).

با این وجود با توجه به این‌که اطلاعات حسابداری مدیریت به‌عنوان ابزار مدیریت در تصمیم‌گیری تلقی می‌گردد که هدف از ایجاد و گسترش آن هم کمک به مدیریت می‌باشد، حال اگر مدیریت به هر دلیلی از آن استفاده ننماید، آن اطلاعات هیچ‌گونه ارزشی برای سازمان نخواهد داشت. یکی از عوامل مهم عدم استفاده مدیریت از اطلاعات حسابداری این است که این اطلاعات کیفیت لازم را ندارد (رسولی و بهرام فر، ۱۳۷۷).

تأمین مالی فرایند زنجیره تأمین

به‌منظور بهینه‌سازی این فرایندهای مالی، مدیریت مالی زنجیره تأمین^۱ کمک می‌کند تا شرکت‌ها فراتر از محدوده بنگاه خود بتوانند کل زنجیره را مورد توجه قرار دهند. این نگرش کل‌نگر، بر همکاری با سایر اعضای داخل زنجیره تمرکز داشته و به‌عنوان رویکردی مناسب جهت مدیریت جریان مالی در راستای محافظت از مؤلفه‌های استراتژیک زنجیره تأمین عمومیت یافته است؛ بنابراین ملاحظات جدیدی در ایجاد هماهنگی میان مدیریت مالی و مدیریت لجستیک و زنجیره تأمین به وجود می‌آید که حوزه‌های کسب‌وکار جدیدی را به‌ویژه

^۱. Financial Supply Chain Management (FSCM)

برای بانک‌ها و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات مالی ایجاد می‌نماید (هافمن^۱، ۲۰۰۵؛ هافمن و بلین^۲، ۲۰۱۱).

بدین ترتیب، «مدیریت مالی زنجیره تأمین» از نگاه ذینفعان مختلف در زنجیره تأمین از جمله ارائه‌دهندگان خدمات لجستیکی^۳ (LSP)، ارائه‌دهندگان خدمات اطلاعاتی^۴ (ISP) و ارائه‌دهندگان خدمات مالی^۵ (FSP) معانی مختلفی دارد. این مفهوم از تعریف ساده «مدیریت جریان نقدینگی (اعم از پرداخت مالی یا تأمین مالی کوتاه‌مدت) بین اعضای یک زنجیره تأمین» شروع شده و در برخی دیگر از تعاریف بر مدیریت هزینه‌های سرمایه‌گذاری یا تأمین مالی برای کل زنجیره تأمین و نحوه کاهش این هزینه‌ها توسعه می‌یابد. بر این اساس مدیریت مالی زنجیره تأمین^۶ (FSCM) دربرگیرنده رویکردها و خدمات مالی مختلفی برای تسریع در جریان منابع مالی و اطلاعاتی میان شرکای تجاری در زنجیره‌های تأمین می‌باشد (هاوسمان^۷، ۲۰۰۵).

پیشینه‌ی پژوهش

شن و همکاران^۸ (۲۰۱۶) نشان دادند هرچه سواد مالی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، به همان میزان منجر به کاهش اختلافات مالی در شرکت‌ها می‌شود. همچنین با افزایش سواد مدیریت پول و پس‌انداز، سواد مدیریت تأمین مالی و اعتباری و سواد برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری، سواد مالی کاهش می‌یابد. هواشین و همکاران^۹ (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد.

مارتین و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سواد مالی و مشارکت در بورس پرداختند؛ و به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ‌دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم و ارزش زمانی پول نمایش می‌دهند. باین‌حال، تعداد

¹ Hofmann, E.,

² Hofman, E., Belin, O.,

³ Logistics Service Provider (LSP)

⁴ Information Service Provider (ISP)

⁵ Financial Service Provider (FSP)

⁶ Financial Supply Chain Management (FSCM)

⁷ Hausman, W.H.

⁸ Shen et al

⁹ Huashin et al

بسیار کمی از آنها مفاهیم اساسی فراتر از این را می‌دانستند، بسیاری از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول تنوع ریسک را نمی‌دانستند.

ون روژ و دیگران^۱ (۲۰۱۱)، در پژوهش خود با عنوان سواد مالی و برنامه‌ریزی بازنشستگی در هلند، به بررسی رابطه سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی افراد در هلند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که پیچیدگی تصمیم‌گیری مالی در خانوارها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و به نظر می‌رسد با این شرایط، خانوارها با فقدان سواد مالی برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، از جمله در رابطه با نحوه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خود، مواجه هستند. بنابراین یک رابطه مثبت معنادار، بین سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی، در هلند وجود دارد، به این معنی که افرادی که دارای سواد و آگاهی مالی بیشتری هستند، در برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی خود توانا تر هستند.

مطالعه انجام‌شده توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ در سال (۲۰۰۵) میلادی در خصوص بررسی سواد مالی در ۱۲ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کشورهای اروپایی، استرالیا و ژاپن نشان داد که سواد مالی اکثر پاسخ‌دهندگان بسیار پایین است.

رموند^۳ (۲۰۱۰) با بررسی پژوهش‌هایی که از سال ۲۰۰۰ میلادی در حوزه سواد مالی انجام‌شده بیان داشته است که می‌توان تعاریف مختلفی که برای سواد مالی ارائه شده را به پنج دسته تقسیم کرد: ۱- دانشی از مفاهیم مالی؛ ۲- توانایی مراد و برقراری ارتباط با مفاهیم مالی؛ ۳- مهارت در مدیریت امور مالی شخصی؛ ۴- مهارت در به‌کارگیری تصمیم‌های مالی مناسب و ۵- اطمینان در برنامه‌ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده (به نقل از اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۲).

علیزاده کتنلوئی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به موضوع بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی پرداختند. روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا و جامعه آماری کتاب‌های درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ است. در این پژوهش حجم نمونه شامل تمامی محتوای کتاب‌های درسی ریاضی

^۱ Wenroj et al

^۲ The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۳ Remund, D. L.

(پایه‌های اول تا ششم)، تعلیمات اجتماعی (پایه سوم)، مطالعات اجتماعی (پایه ششم ابتدایی) همچنین بخش مدنی محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی است. برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از برگه‌های تحلیل محتوای کدگذاری شده با تأکید بر چهار مؤلفه اصلی سواد مالی و چهار مؤلفه اصلی سواد اقتصادی استفاده شده است. روایی صوری و محتوایی ابزار پژوهش، بر اساس نظرات متخصصان و پایایی آن پژوهش بر اساس روش هولستی با ضریب پایایی ۰/۹۵ برای سواد اقتصادی و ۰/۹۳ برای سواد مالی محاسبه شده است. داده‌های حاصل از فرآیند تحلیل محتوا حاکی از آن است که میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی متفاوت است؛ ضمناً به مؤلفه‌های سواد اقتصادی بیشتر از سواد مالی پرداخته شده است. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و نقش سواد مالی و اقتصادی در دنیای امروز، تأکید بیشتر بر مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد.

افتخاری علی‌آبادی (۱۳۹۸)، طی پژوهشی به بررسی تأثیر هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران پرداختند. بدین منظور از بین ۳۶۰۰ مشتری بانک ملت با استفاده از رابطه کوکران تعداد نمونه آماری در سطح خطای ۵ درصد برابر با ۳۴۷ نفر به‌منظور انجام تحقیق انتخاب شده است. روش تحقیق بر مبنای هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی به شیوه پیمایشی با رویکرد علی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد بوده که پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶۲ مورد تأیید است و جهت روایی محتوایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. با روش معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (LISREL) نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهند، هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران مؤثر است. همچنین رفتار مالی و آموزش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق قصد مؤثر هستند ولی سواد مالی تأثیری بر رفتار استفاده از کارت اعتباری ندارد.

محمدی و فخاری (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به موضوع تأثیر خودکنترلی و تعهدات دینی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۰۱

به‌عنوان دو ویژگی فردی آن‌ها، بر کیفیت افشای اطلاعات و ابعاد آن پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی مدیران مالی در سال ۱۳۹۳ از طریق پرسش‌نامه تانجی و نیز پرسشنامه خدایاری فرد و همکاران، جمع‌آوری شده و میزان تأثیر این عوامل بر کیفیت افشای اطلاعات و افراز آن، از طریق روش توصیفی تحلیل مسیر، مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل مسیر داده‌ها نشان می‌دهد که میزان خودکنترلی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات تأثیر مثبت دارد ولی رعایت تعهدات دینی این مدیران بر کیفیت افشای اطلاعات اثری نمی‌گذارد. این نتایج با شناسایی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت افشا به بسط نظری کیفیت افشا در گزارشگری مالی کمک کرده و همچنین می‌توان از یافته‌های این پژوهش در انتصاب مدیران آینده که منجر به افزایش شفافیت اطلاعات و ارتقاء کیفیت افشا می‌شوند، استفاده کرد.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود و بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکت‌های دارای مدیرعامل با دانش مالی و سایر شرکت‌ها پرداختند. جهت انجام این پژوهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی به‌صورت جداگانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۰ شرکت) پرداخته شد. نوع مدرک تحصیلی به‌عنوان معیاری جهت اندازه‌گیری دانش مالی مدیرعامل در نظر گرفته شده است. جهت تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره ترکیبی / تلفیقی و همچنین آزمون برابری میانگین استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی‌داری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به موضوع سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی، اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار پرداختند. آن‌ها در این پژوهش، ارتباط سواد مالی با مالی سازی را واکاوی و برای توضیح پدیده مالی سازی به دلایل بروز و ظهور اندیشه آزادی‌خواهی با قوانین خاص متوسل می‌شدند. پس از تبیین شرایط اقتصادی و

اجتماعی موجوده سواد مالی و تأثیر و جایگاه آن، تعاریف مختلف ارائه شده برای این واژه، روش‌های سنجش آن و نیز مهم‌ترین یافته‌های پژوهش‌های اخیر مرور می‌شوند.

ضیایی پور و میلادیان (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به موضوع تأثیر سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، پرداختند. این پژوهش از منظر ماهیت توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار -تهران در بازه زمانی ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۴ بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای مشتمل بر سؤالات سواد مالی و نروژ و مالی رفتاری پمپین می‌باشد که میان سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی فعال در بورس تهران توزیع گردیده است. نتایج توسط نرم‌افزار آماری (SPSS) نسخه ۱۴ با استفاده از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که سواد مالی بر سوگیری‌های رفتاری فرا اعتمادی در پیش‌بینی، دگرگون‌گریزی و زیان‌گریزی تأثیر مثبت و مستقیم و بر سوگیری‌های نما‌گری قصور اندازه نمونه، حساب‌انگاری و کوتاه‌نگری تأثیر منفی و معکوس داشته است و در بقیه موارد رابطه معناداری مشاهده نشده است.

طغیانی و مرادی باصیری (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به موضوع تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی پرداختند. با توجه به اینکه در طراحی الگوی اسلامی تربیت مالی، استفاده از تجربیات الگوی غربی مفید واقع گردید؛ هدف آن‌ها در این مطالعه، تحلیل انتقادی این الگو با رویکردی اسلامی بوده است. به این منظور، آن‌ها با جستجو در منابع مختلف دینی، مقالات مرتبط با اقتصاد اسلامی و نیز اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، به نقد موضوعی الگوی متعارف سواد مالی بر اساس ملاک‌های استخراجی از منابع دینی پرداختند و تلاش کردند تا مهم‌ترین جنبه‌های تشابهات، تمایزات و نیز نواقص آن‌ها را در مقایسه با مبانی و آموزه‌های دینی مشخص نمایند. مهم‌ترین یافته این پژوهش آن است که الگوی متعارف سواد مالی، الگویی فردگرایانه است و به هویت‌های جمعی زندگی انسان کمتر توجه شده است؛ در حالی که در آموزه‌های اسلامی، در کنار هویت‌های فردی زندگی انسان، هویت‌های جمعی نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

مولایی ورزنده و رستمی (۱۳۹۵)، طی پژوهشی که در خصوص موضوع بررسی رابطه بین اختلافات مالی و سواد مالی شرکت‌های مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان آنجا

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۰۳

دادند، نشان دادند که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد. همچنین، در پژوهش آن‌ها یافته‌های بخش جمعیت شناختی نیز نشان داد که بین ویژگی‌های جمعیت شناختی با سطح سواد مالی و نیز تجربه و اختلاف مالی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

مرادی و ایزدی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به موضوع بررسی تأثیر سواد مالی سرمایه‌گذاران بر تصمیم سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار پرداختند. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۸۴ سرمایه‌گذار بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نوع همبستگی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه مشتمل بر سه بخش اصلی است: بخش اول، مشخصات جمعیت شناختی، بخش دوم، شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری از دید سرمایه‌گذاران، شامل ذهنیات فردی، اطلاعات حسابداری، اطلاعات اقتصادی و نیازهای مالی شخصی و بخش سوم، دو گروه سال جهت ارزیابی سطح سواد مالی سرمایه‌گذاران را دربر دارد. نتایج نشان می‌دهد که هر چهار عامل در نظر گرفته شده شامل ذهنیات فردی، اطلاعات حسابداری، اطلاعات اقتصادی و نیازهای مالی شخصی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، تأثیر دارند. همچنین، بین سطح سواد مالی و عوامل مؤثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری، رابطه مثبت معنادار وجود دارد، ولی این رابطه بسیار ضعیف است و کمتر از ۱۰٪ تغییرات تأثیر عوامل مؤثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری، توسط سطح سواد مالی، قابل توضیح می‌باشد. به علاوه نتیجه نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن نوع اشتغال، حساسیت عوامل مؤثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری نسبت به تغییر سطح سواد مالی در زمینه اشتغال غیرمالی بیشتر است.

رحمتی و نایب زاده (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به موضوع بررسی تأثیر سواد و کارآفرینی بر عملکرد (مطالعه موردی: شرکت‌های فولاد یزد) پرداختند. روش تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و به لحاظ استراتژی اجرا توصیفی - تحلیلی و از بعد بررسی متغیرها از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری، شرکت‌های فولاد یزد می‌باشد و از روش نمونه‌گیری به روش جدول مورگان استفاده گردیده که تعداد ۱۲۰ نمونه قابل قبول انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سواد مالی و عملکرد شغلی در شرکت‌های فولاد یزد وجود ندارد. درباره عملکرد شغلی تاکنون تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما

درباره نقش سواد مالی و تأثیر آن بر عملکرد شغلی اطلاعات کمی در دست می‌باشد. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده و معنی‌دار بودن آن‌ها با استفاده از آماره t صورت گرفته، همچنین برای آزمون خودهمبستگی مدل از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. این پژوهش می‌تواند در راستای نتایج حاصل از آن، به دلیل ارائه‌ی اطلاعات مفید در حوزه ارزیابی عملکرد کارکنان فولاد یزد و برای محققان و اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و مدیران ارزشمند باشد. به‌علاوه، پیشنهادهایی را جهت بهبود و اثربخشی بیشتر نتایج حاصل از آن ارائه می‌دهد.

زارع رئیس‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به موضوع بررسی سواد مالی مدیران شهرستان یزد، پرداختند. تحقیق حاضر به دنبال بررسی سواد مالی مدیران و ارائه الگویی جهت سنجش آن در کشور ایران می‌باشد. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده و جامعه آماری آن مدیران شرکت‌های استان یزد می‌باشد؛ بنابراین پرسشنامه استاندارد تهیه و بین جامعه آماری توزیع گردید. در این پژوهش تأثیر تعدادی از ویژگی‌های جمعیت شناختی بر روی سواد مالی مدیران یزد مورد بررسی قرار گرفت. نمره قابل‌قبول در این آزمون با توجه به تحقیقات گذشته ۶۰ در نظر گرفته شده است. به این معنا که نمره بیشتر از ۶۰ باسواد و نمره کمتر از ۶۰ بی‌سواد تلقی می‌گردد. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فن‌های آماری، نتایج نشان داد که مدیران در حوزه سواد مالی عمومی، باسواد ولی در حوزه سواد مالی تخصصی، بی‌سواد هستند. همچنین نتایج حاصله حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های جمعیت شناختی، رشته تحصیلی و سن افراد بر سواد مالی تأثیرگذار هستند.

صمصامی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به موضوع سواد مالی و مشارکت در بازار سهام پرداختند. این پژوهش به‌منظور بررسی رابطه بین سواد مالی سهامداران حقیقی بورس و اوراق بهادار بر نوع و تنوع سرمایه‌گذاری آن‌ها و تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر سطح سواد مالی و بررسی ارتباط سواد مالی با تجارب دوران کودکی آن‌ها مطرح و اجرا شده است. جامعه آماری این پژوهش سهامداران حقیقی بورس و اوراق بهادار استان یزد و روش نمونه‌گیری این پژوهش روش تصادفی ساده با استفاده از فرمول کوکران بوده و نمونه موردنظر شامل ۱۷۰ نفر سهامدار حقیقی شد که پس از توزیع پرسشنامه‌ها و مراجعات و پیگیری‌های مکرر محقق، تعداد ۱۳۸ عدد از پرسشنامه قابل‌قبول جمع‌آوری شد. پژوهش متشکل از شش

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۰۵

فرضیه اصلی است که با استفاده از آزمون t برای دو نمونه مستقل و برای بررسی تفاوت بین سه گروه یا بیشتر برای متغیرها از آنالیز واریانس یک طرفه (ANOVA)، همچنین برای مقایسه زوجی بین میانگین گروه‌ها آزمون زوجی شفه و برای بررسی رابطه بین دو متغیر غیر نرمال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. در بررسی فرضیه‌های مختلف نتایج بیانگر آن است که سهامداران حقیقی از نظر مالی باسواد هستند، سواد مالی سهامداران تحت تأثیر مؤلفه‌های سطح تحصیلات، دانشکده تحصیلی و رشته تحصیلی مقطع متوسطه می‌باشد، تجارب دوران کودکی بر سواد مالی رابطه داشته است، سواد مالی بر تنوع سرمایه‌گذاری رابطه دارد، سواد مالی بر تنوع پرتفوی سهام رابطه دارد، سواد مالی بر زمینه سرمایه‌گذاری رابطه داشته است.

زند و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به موضوع بررسی رابطه بین سواد مالی، مشارکت در بازار سهام و رفتار پس‌انداز پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شهروندان شهر تهران است، نمونه‌ی پژوهش شامل ۳۸۹ نفر بود که به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است که روایی آن از طریق تحلیل صوری تأیید شده و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفته است که مقدار آلفای به دست آمده برابر ۰/۷۸۱ بوده و قابل قبول است. فرضیه‌های تحقیق وجود رابطه معنادار بین سواد مالی، مشارکت در بازار سهام و رفتار پس‌انداز را نشان می‌داد که از طریق رگرسیون مورد آزمون قرار گرفت، بدین ترتیب که برای بررسی رابطه میان متغیرهای جمعیت شناختی، ثروت و متغیر آشنایی با بازار سهام باسواد مالی از روش (OLS) و برای بررسی رابطه میان سواد مالی، ریسک‌پذیری و نزدیکی به کارگزاری‌ها با میزان مشارکت در بازار سهام از مدل لاجیت استفاده و تأیید شد که از میان متغیرهای جمعیت شناختی، تنها تحصیلات و رشته تحصیلی بر روی سواد مالی شهروندان شهر تهران، تأثیرگذار بود ولی سن، جنسیت، وضعیت تأهل و شغل تأثیری در سواد مالی آنان نداشته است، همچنین ثروت و آشنایی با بازار سهام بر سواد مالی افراد تأثیرگذار بوده است از سوی دیگر مشخص شد که میزان سواد مالی و ریسک‌پذیری افراد، در مشارکت آنان در بازار سهام تأثیرگذار است اما نزدیکی به کارگزاری‌ها، تأثیری بر میزان مشارکت آنان در بازار سهام ندارد. آنالیز واریانس میان سواد مالی و رفتار پس‌انداز افراد نیز حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار میان این دو عامل بوده است.

قالمق و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به موضوع تأثیر سواد مالی بر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران و تورش‌های رفتاری آن‌ها می‌پردازد و هدف اصلی این تحقیق، معرفی معیارهایی برای سنجش میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران و سپس بررسی رابطه آن با تورش‌های رفتاری است. تحقیق حاضر برای یک دوره ۲ساله از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵ و در قلمرو مکانی بورس اوراق بهادار تهران و کارگزاران و شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال در این بازار انجام شده است. پس از گردآوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه‌های استاندارد بین‌المللی (پس از بومی‌سازی با شرایط داخل کشور) در بین سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران و جمع‌آوری پاسخ‌های آن و محاسبه متغیرهای تحقیق با استفاده از روش آماری رگرسیون چندگانه به تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری (SPSS)، مدل آماری مناسب ارائه شده است. در معادلات تحقیقات انجام شده در داخل کشور سعی شده است فقط مدلی جهت سنجش میزان سواد مالی در بین سرمایه‌گذاران ایرانی ارائه شود و برای اولین بار در داخل ایران و در این تحقیق سعی خواهد شد که علاوه بر ارائه مدلی مناسب و بومی جهت سنجش میزان سواد مالی در بین سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران، رابطه بین میزان سواد مالی و تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران نیز بررسی شود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از این است که بین میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران و تورش‌های رفتاری آن‌ها رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد.

ایزدی (۱۳۹۱) ارائه داد اختلاف معناداری، از نظر سطح سواد مالی، بین سرمایه‌گذاران ایران، با توجه به سن، جنسیت، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، زمینه اشتغال و سابقه کار، وجود دارد، ولی درآمد ماهیانه، باعث ایجاد اختلاف معنادار در سطح سواد مالی نمی‌شود؛ بین ذهنیات فردی، اطلاعات حسابداری، اطلاعات اقتصادی و نیازهای مالی شخصی سرمایه‌گذاران با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، رابطه وجود دارد؛ بین سطح سواد مالی و عامل‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، رابطه وجود دارد، ولی این رابطه بسیار ضعیف است و کمتر از ۱۰٪ از تغییرات عامل‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، توسط سطح سواد مالی، قابل توضیح می‌باشد و زمینه اشتغال و جنسیت، بر رابطه بین سطح سواد مالی و عامل‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، مؤثر می‌باشند.

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۰۷

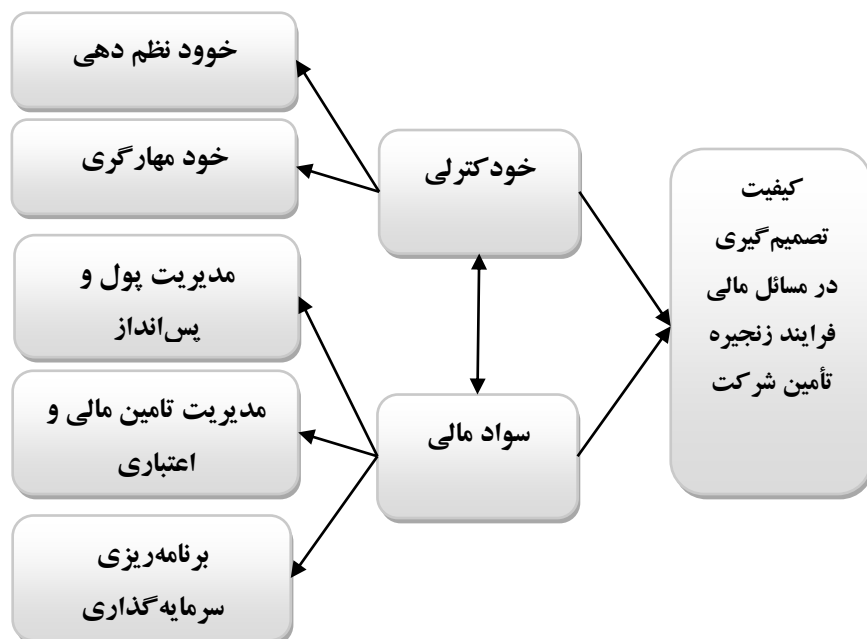
یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به موضوع ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی پرداختند. در این پژوهش ابتدا مفهوم سواد مالی و مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه مطرح می‌شود. سپس از فن دلفی فازی برای کسب اجماع ۱۲ نفر از خبرگان مالی کشور (به‌عنوان گروه دلفی) استفاده و پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ سؤال جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی تدوین و به‌عنوان الگوی سنجش سواد مالی در سطح دانشگاه‌های کشور ارائه گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد سؤالات منتخب حاصل از اجماع خبرگان در بر دارنده مفاهیم متنوعی از جمله ارزش زمانی پول، مالیات، سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق مشارکت، تورم، بانکداری الکترونیک، طرق مختلف استقراض، بیمه و بازنشستگی و غیره هستند.

رسولی و بهرام فر (۱۳۷۷)، طی پژوهشی به بررسی موضوع ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که اگر اطلاعات حسابداری دارای کیفیت لازم باشد، مدیریت در تصمیم‌گیری‌های خود از آن استفاده می‌کند. البته نتایج آن‌ها نشان داد که همه ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری به یک اندازه بر استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت مؤثر واقع نمی‌شوند.

الگوی مفهومی پژوهش

منظور از طرح نظری پژوهش، نگرش یا چشم‌انداز نظری است که تصمیم گرفته می‌شود برای بررسی مسئله‌ای که در پرسش آغازی طرح‌شده پذیرفته شود (کیوی، ۱۳۸۲، ص ۸۱). از این‌رو، در این پژوهش برای تدوین فرضیات پژوهش، پژوهشگر یک مدلی مفهومی ارائه شده است تا بر اساس آن علاوه بر شناسایی متغیرهای مربوط به آن فرضیات تدوین شده روابط بین این متغیرها و تعاریف مفهومی و عملیاتی آن‌ها نیز تبیین گردد. در حقیقت، در این پژوهش پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش حاضر، ابعاد نظری و تجربی راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تعیین و معرفی شده است. به‌طوری‌که در این پژوهش سواد مالی به‌عنوان متغیر مستقل بوده که برای اندازه‌گیری آن از پرسشنامه شن و همکاران (۲۰۱۶) و با سه مؤلفه سواد مدیریت پول و پس‌انداز، سواد مدیریت تأمین مالی و اعتباری و سواد برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری بوده استفاده شده است.

همچنین، برای اندازه‌گیری میزان خودکنترلی، به‌عنوان متغیر مستقل پژوهش از رویکرد محمدی و فخاری (۱۳۹۵) و علاوه براین، برای اندازه‌گیری کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین نیز به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر از رویکرد گترگود (۲۰۱۱)، اقتباس شده است.



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش

منبع: (شن و همکاران، ۲۰۱۶؛ گترگود، ۲۰۱۱؛ محمدی و فخاری، ۱۳۹۵)

معرفی فرضیه‌های پژوهش

به‌طور کلی، می‌توان بیان نمود که با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش که در خصوص بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده، فرضیه‌های پژوهش حاضر نیز تدوین شد که به شرح زیر می‌باشند:

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۰۹

فرضیه (اصلی): بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه (۱): بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه (۲): بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه (۳): بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی (مدیریت پول و پس‌انداز، مدیریت تأمین مالی و اعتباری و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری) و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. از منظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر بر مبنای هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده‌ها نیز چون که به توصیف و مطالعه آنچه هست پرداخته می‌شود، یک پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر نیز شامل کلیه مشارکت‌کنندگان فعال بورس اوراق بهادار تهران (خبرگان دانشگاهی و بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران، معامله‌گران، کارگزاران رسمی بورس اوراق بهادار ایران)، می‌باشد. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، به تعداد ۳۸۴ نفر نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و مطابق با جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. در این تحقیق، راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران به‌عنوان متغیره مستقل و تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین هم به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اطلاعات میدانی انجام گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه نیمه ساختاریافته بوده است. علاوه بر این، روایی صوری این پرسشنامه توسط استاد راهنما و مشاور و چند نفر از افراد خبره

در این زمینه مورد تأیید قرار گرفته و از روایی لازم برخوردار است. برای تعیین میزان پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به طوری که به صورت جدول شماره (۱) می باشد.

جدول ۱- ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	متغیرهای پژوهش	ابعاد اصلی پژوهش	ردیف
۰/۷۱۴	۵	ملموس بودن	کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	۱
۰/۷۳۸	۴	پاسخ دهی		
۰/۸۱۶	۷	تضمین		
۰/۸۵۶	۶	قابل اعتماد بودن		
۰/۸۴۳	۴	ایجاد همسویی و همدلی	راهبردهای خودکنترلی	۲
۰/۷۶۹	۴	خود نظم دهی		
۰/۸۲۱	۵	خود مهار گری		
۰/۷۲۳	۱۱	سواد مالی مدیران	سواد مالی مدیران	۳
۰/۸۶۵	۳	مدیریت پول و پس انداز		
۰/۷۴۱	۵	مدیریت تأمین مالی و اعتباری		
۰/۷۲۸	۳	برنامه ریزی سرمایه گذاری		
۰/۷۹۲	۱-۵۷	کلیه گویه های پرسشنامه	کل پرسشنامه	۱

منبع: محاسبات پژوهشگران.

۴- یافته های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از اجرای پژوهش حاضر با توجه به اهداف از پیش تعیین شده از آزمون های آماری استفاده شد. برای تحلیل توصیفی داده ها، از جداول نمودارها، شاخص های پراکندگی و برای تحلیل آمار توصیفی از آماره های میانگین، میانه، فراوانی، میانگین متغیرهای پژوهش و آزمون کولموگروف اسمیرنوف و برای بررسی استنباطی فرضیه ها در بسته نرم افزاری (SPSS) استفاده شده است.

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

برای جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن از نظرات ۳۸۴ نفر از متخصصان، مدیران و کارشناسان و کارکنان و کلیه مشارکت کنندگان فعال بورس اوراق بهادار تهران (خبرگان

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۱۱

دانشگاهی و بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران، معامله‌گران، کارگزاران رسمی بورس اوراق بهادار ایران)، استفاده شد. به همین منظور جهت شناسایی و توصیف بهتر خصوصیات نمونه آماری، مشخصات جمعیت شناختی این افراد شامل سن و سابقه کاری و تحصیلات پاسخگویان مورد مطالعه قرار گرفته است.

جدول ۲- یافته‌های توصیفی جمعیت شناختی

درصد فراوانی	تعداد مشاهدات	ویژگی جمعیت شناختی	
۰/۵۸	۲۲۴	مرد	نوع جنسیت
۰/۴۲	۱۶۰	زن	
۰/۰۴	۱۷	کمتر از ۲۵	میزان سن
۰/۲۶	۹۹	بین ۲۶ تا ۳۵	
۰/۳۲	۱۲۲	بین ۳۶ تا ۴۵	
۰/۳۸	۱۴۶	بین ۴۶ تا ۶۵	
۰/۳۴	۱۳۰	کارشناسی	میزان تحصیلات
۰/۴۱	۱۵۶	کارشناسی ارشد	
۰/۲۶	۹۸	دکتری و بالاتر	
۰/۲۱	۷۹	کمتر از ۱۰ سال	سابقه فعالیت در بورس سهام
۰/۰۵	۱۹	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	
۰/۳۰	۱۱۷	۱۶ تا ۲۰ سال	
۰/۴۴	۱۶۹	۲۱ تا ۳۰ سال	
۰/۲۱	۷۹	کارکنان شرکت‌های کارگزاری بورس اوراق بهادار سهام	رده سازمانی
۰/۱۶	۶۳	کارشناسان و خبرگان دانشگاهی	
۰/۲۲	۸۳	مدیران سرپرستی (عملیاتی) و حوزه مالی	
۰/۱۵	۵۸	مدیران میانی	
۰/۲۳	۸۹	مدیران ارشد	رشته تحصیلی
۰/۱۲	۴۵	علوم پایه	
۰/۴۰	۱۵۵	علوم انسانی	
۰/۲۴	۹۳	فنی و مهندسی	
۰/۲۰	۷۵	علوم تجربی	
۰/۰۴	۱۶	سایر رشته‌های تحصیلی	

منبع: محاسبات پژوهشگران.

جدول شماره (۲)، بیانگر آمار توصیفی متغیرهای پژوهش بوده و نشان می‌دهد از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگو از لحاظ جنسیت حدوداً، ۵۸٪ یعنی (۲۲۴ نفر)، از پاسخگویان مشارکت‌کننده مردان و ۴۲٪ یعنی (۱۶۰ نفر) از پاسخگویان را هم زنان از بین ۳۸۴ نفر مشارکت‌کننده کل تشکیل می‌دهند. از لحاظ سنی هم کمتر از ۵٪ پاسخ‌دهندگان در سنی کمتر از ۲۵ سال، ۲۶ درصد بین ۲۶ تا کمتر از ۳۵ سال سن، ۳۲ درصد در فاصله ۳۶ تا ۴۵ سال و ۳۸٪ نیز بین ۴۶ تا ۶۵ سال داشته‌اند. از لحاظ سابقه کاری نشان داد که بیشترین فراوانی پاسخگویان از نظر سابقه کاری، در گروه افراد با ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه می‌باشد، به طوری که این گروه ۴۴ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده است. همچنین ۳۰ درصد از حجم نمونه متعلق به افراد با سابقه ۱۶ تا ۲۴ سال، ۵ درصد متعلق به افراد با سابقه کاری ۱۱ تا ۱۵ سال، ۵ درصد متعلق به افراد با سابقه کاری ۵ تا ۹ سال، ۲۱ درصد متعلق به افراد با سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال و بیشترین فراوانی ۴۴ درصد بوده و متعلق به افراد با سابقه کاری ۲۱ تا ۳۰ سال می‌باشد. از لحاظ میزان تحصیلات هم بیشترین فراوانی پاسخگویان در گروه افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد (۴۱ درصد (۱۵۶ نفر)، ۳۴ درصد (۱۳۰ نفر) افراد با تحصیلات کارشناسی و ۲۶ درصد (۹۸ نفر) هم افراد با تحصیلات دکتری و بالاتر می‌باشد. بر اساس رده سازمانی ۲۱ درصد متعلق به کارکنان شرکت‌های کارگزاری بورس اوراق بهادار سهام، ۱۶ درصد متعلق به کارشناسان و خبرگان دانشگاهی، ۲۲ درصد متعلق به مدیران سرپرستی (عملیاتی) و حوزه مالی، ۱۵ درصد متعلق به مدیر میانی، ۲۳ درصد متعلق به مدیران ارشد است. علاوه بر این، بر اساس رشته تحصیلی، ۱۲ درصد متعلق به علوم پایه، ۴۰ درصد متعلق به علوم انسانی، ۲۴ درصد در رشته فنی و مهندسی و حوزه مالی، ۲۰ درصد متعلق به علوم تجربی، ۴ درصد متعلق به سایر رشته‌های تحصیلی است.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

ردیف	ابعاد اصلی پژوهش	متغیرهای پژوهش	ضریب میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشدگی
		ملموس بودن	۰/۴۲۴	۱۲/۸۲۵	۱۷۰/۲۹۵	۱/۱۲۸	۴/۴۱۸
	کیفیت تصمیم‌گیری	پاسخ‌دهی	۰/۴۶۷	۱۴/۴۸۷	۲۰۹/۸۶۴	۲/۷۴۲	۱۸/۹۶۲
۱	در مسائل مالی	تضمین	۰/۸۰۴۶	۱۲/۲۷۹	۱۵۰/۷۵۰	۱/۴۹۷	۴/۱۶۲
	سرمایه‌گذاران	قابل اعتماد بودن	۳/۸۴۶	۱۶/۰۹۷	۲۵۹/۰۸۷	۳/۹۲۱	۳۴/۱۸۰
		ایجاد همسویی	۰/۷۷۵۳	۱۴/۳۰۷	۲۰۴/۶۸۲	۱/۵۸۹	۴/۰۲۹

ردیف	ابعاد اصلی پژوهش	متغیرهای پژوهش	ضریب میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
(همدلی)							
۲	راهبردهای خودکنترلی	خود نظم دهی	۰/۶۵۸	۱۳/۰۵۹	۱۷۰/۵۲۹	۱/۳۶۲	۴/۶۵۸
	خودکنترلی	خود مهارگری	۴/۶۹۷	۱۳/۳۷۳	۱۷۸/۸۳۶	۲/۴۴۴	۱۴/۲۹۱
۳	سواد مالی مدیران	سواد مالی مدیران	۴/۳۵۸۰	۱۳/۵۹۳۲۸	۱۸۴/۷۷۷	۱/۳۱۰	۴/۵۹۷
		مدیریت پول و پس انداز	۳/۹۷۵	۱۲/۸۵۶	۱۶۵/۲۳۳	۱/۷۳۶	۵/۸۶۱
		مدیریت تأمین مالی و اعتباری	۲/۹۵۸	۱۷/۵۶۹	۳۰۸/۶۴۸	۱/۲۰۷	۲/۱۳۵
		برنامه ریزی سرمایه گذاری	۹/۲۶۶	۲۳/۰۶۹	۵۳۲/۲۰۵	۲/۰۰۰	۵/۷۶۱
تعداد مشاهدات			۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴

منبع: محاسبات پژوهشگران.

به طور کلی، نتایج جدول (۳)، نشان می دهد که مقدار میانگین ملموس بودن برابر (۰/۴۳)، انحراف معیار (استاندارد)، واریانس، ضریب چولگی و ضریب چولگی کشیدگی آن به ترتیب برابر (۱۲/۸۳)، (۱۷۰/۳۰)، (۱/۱۳) و همچنین (۴/۴۲)، به دست آمده است. بیشترین مقدار میانگین مربوط به متغیر برنامه ریزی سرمایه گذاری می باشد که مقدار آن برابر (۹/۲۷) و کمترین مقدار آن نیز مربوط به متغیر پاسخ دهی و مقدار آن نیز برابر (۰/۴۷)، است. همچنین، سایر ویژگی های توصیف کننده آماری مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول (۳) قابل مشاهده است.

آزمون نرمال بودن داده های پژوهش

به منظور مشخص کردن نوع آزمون مورد استفاده برای فرضیه های تحقیق ابتدا به بررسی نرمال یا غیر نرمال بودن داده های مربوط به فرضیات از طریق آزمون کولموگراف-اسمیرنوف^۱ (K-S) پرداخته شده و سپس با استفاده از نتایج این آزمون از روش های آماری پارامتری یا نا پارامتری مناسب برای آزمون استفاده شده است. در جدول شماره (۴) نتایج این آزمون ارائه شده است.

^۱Kolmogorov-Smirnov(K-S)

جدول ۴- نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق (آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S))

شرح متغیرهای مدل تجربی تحقیق	تعداد نمونه	آماره آزمون	مقدار Sig	نتیجه آزمون
کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران	۳۸۴	۰/۲/۶۹	۰/۷۶۱	توزیع نرمال
راهبردهای خودکنترلی	۳۸۴	۱/۳۵	۰/۵۳۲	توزیع نرمال
سواد مالی مدیران	۳۸۴	۱/۴۳	۰/۱۳۹	توزیع نرمال

منبع: محاسبات پژوهشگران.

مطابق نتایج جدول شماره (۴)، با توجه به مقادیر سطح معنی‌داری $Sig=0.761$ برای متغیر کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران، $Sig=0.532$ برای متغیر راهبردهای خودکنترلی، $Sig=0.139$ برای متغیر سواد مالی مدیران، محاسبه شده است و چون این مقادیر بیشتر از $(\alpha=1\%)$ ، یعنی $(Sig < \alpha)$ ، می‌توان دریافت که فرض ادعا (H_0) مورد قبول واقع شده و فرض نقیض ادعا (H_1)، نیز رد می‌شود؛ و بنابراین فرض نرمال بودن توزیع مشاهدات تأیید می‌شود. می‌توان از آزمون‌های آماری پارامتریک بهره جست.

۳,۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه فرضیه‌ها از نوع رابطه‌ای می‌باشد. و برای اینکه کلیه متغیرها نرمال می‌باشند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جهت بررسی میزان و شدت رابطه بین دو متغیر از روش آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. که خروجی آن با استفاده از نرم‌افزار نسخه (SPSS 23) به شرح زیر است.

فرضیه (اصلی): بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۵- میزان همبستگی بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین

متغیرهای پژوهش	کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای خودکنترلی	راهبردهای سواد مالی
کیفیت تصمیم‌گیری	۱	۰/۵۱۷**	۰/۶۵۳**
در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
راهبردهای خودکنترلی	۰/۵۱۷**	۱	۰/۴۲۴**
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
راهبردهای سواد مالی	۰/۶۵۳**	۰/۴۲۴**	۱
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

منبع: محاسبات پژوهشگران.

مطابق جدول شماره (۵)، میزان همبستگی برابر $r = -0/517$ شده است. که با توجه به سطح معنی‌داری $Sig = 0/000$ و این مقدار کمتر از $(\alpha = 1\%)$ ، یعنی $(Sig < \alpha)$ ، می‌توان دریافت که فرض نقیض ادعا (H_0) رد شده و فرض ادعا (H_1)، مورد تأیید قرار گرفته است؛ یعنی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه (۱): بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

جدول ۶- میزان همبستگی بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در

مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین

متغیرهای پژوهش	کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای سواد مالی مدیران
کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	۱	۰/۵۰۲**
مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	-	۰/۰۰۰
تعداد	۳۸۴	۳۸۴
ضریب پیرسون	۰/۵۰۲**	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	-
تعداد	۳۸۴	۳۸۴

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

منبع: محاسبات پژوهشگران.

مطابق جدول شماره (۶)، میزان همبستگی برابر $r = -0.502$ شده است. که با توجه به سطح معنی‌داری $Sig = 0.000$ و این مقدار کمتر از $(\alpha = 1\%)$ یعنی $(Sig < \alpha)$ ، می‌توان دریافت که فرض نقیض ادعا (H_0) رد شده و فرض ادعا (H_1)، مورد تأیید قرار گرفته است؛ یعنی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه (۲): بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۷- میزان همبستگی بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در

مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین

متغیرهای پژوهش	کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران	راهبردهای خودکنترلی مدیران
کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	۱	۰/۶۹۵**
مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	-	۰/۰۰۰
تعداد	۳۸۴	۳۸۴
ضریب پیرسون	۰/۶۹۵**	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	-
تعداد	۳۸۴	۳۸۴

۱۱۷ بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و

۳۸۴	۳۸۴	تعداد	خودکنترلی مدیران
-----	-----	-------	------------------

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

مطابق جدول شماره (۷)، میزان همبستگی برابر $r = -0/695$ شده است. که با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0/000$ و این مقدار کمتر از $(\alpha = 1\%)$ ، یعنی $(Sig < \alpha)$ ، می توان دریافت که فرض نقیض ادعا (H_0) رد شده و فرض ادعا (H_1)، مورد تأیید قرار گرفته است؛ یعنی می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه (۳): بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

جدول ۸- میزان همبستگی بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران

متغیرهای پژوهش	راهبردهای خودکنترلی مدیران	راهبردهای سواد مالی
راهبردهای خودکنترلی	۱	۰/۶۷۵**
مدیران	۳۸۴	۳۸۴
راهبردهای سواد مالی	۰/۶۷۵**	۱
تعداد	۳۸۴	۳۸۴

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

مطابق جدول شماره ۷ میزان همبستگی برابر $r = -0/482$ شده است. که با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0/000$ و این مقدار کمتر از $(\alpha = 1\%)$ ، یعنی $(Sig < \alpha)$ ، می توان دریافت که فرض نقیض ادعا (H_0) رد شده و فرض ادعا (H_1)، مورد تأیید قرار گرفته است؛ یعنی می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.

جدول ۹- خلاصه نتایج آزمون فرضیات تحقیق

ردیف	فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی (R)	سطح خطا (α)	سطح معنی داری (sig)	نتیجه آزمون
۱	فرضیه اصلی	کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی	۰/۷۰۵	۰/۰۱	۰/۰۰۰	تأیید H_1
۲	فرضیه فرعی (۱)	کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای سواد مالی	۰/۵۰۲	۰/۰۱	۰/۰۰۰	تأیید H_1
۳	فرضیه فرعی (۲)	کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای خودکنترلی	۰/۶۹۵	۰/۰۱	۰/۰۰۰	تأیید H_1
۴	فرضیه فرعی (۳)	کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین	راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی	۰/۶۷۵	۰/۰۱	۰/۰۰۰	تأیید H_1

منبع: محاسبات پژوهشگران.

آزمون رگرسیون چندگانه و فرضیه‌های مدل رگرسیون پژوهش

اگر تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی شود، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود. برای تأثیر این عوامل به‌طور هم‌زمان از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. همچنین، با توجه به تأیید همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته به بررسی رابطه کمی میان متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته تا به‌صورت یک مدل ارائه گردد. همچنین اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به‌وسیله روش رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار می‌گیرد قبل از ارائه مدل رگرسیون خطی چند متغیره ابتدا بایستی فرضیات مدل را مورد بررسی قرار دهیم که شامل موارد ذیل می‌باشد:

نرمال بودن متغیر وابسته (کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین):

در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن این متغیر از آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S) استفاده گردیده است.

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۱۹

رابطه خطی بین متغیر وابسته و مستقل (آزمون F فیشر): این امر را می توان از طریق

تحلیل واریانس (ANOVA) رگرسیون به منظور بررسی رابطه خطی بین دو متغیر استفاده کرد.

فرضیه های آماری کل مدل رگرسیون به صورت زیر می باشد:

H_0 : رابطه خطی بین دو متغیر وجود ندارد. H_1 : رابطه خطی بین دو متغیر وجود دارد.

جدول ۱۰- تحلیل واریانس (ANOVA)

سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
		۶۰۴/۹۷۷	۲	۱۲۰۹/۹۵۳	مدل رگرسیون ^۱
۰/۰۰۰ ^b	۲۱۴/۳۹۸	۲/۸۲۲	۳۸۱	۱۰۷۵/۰۸۴	خطای باقیمانده ^۲
			۳۸۳	۲۲۸۵/۰۳۷	جمع ^۳

a. Dependent Variable: کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی سرمایه گذاران

b. Predictors: (Constant), سواد مالی مدیران, راهبردهای خودکنترلی

منبع: محاسبات پژوهشگران.

مطابق جدول شماره (۱۰)، با توجه به سطح معنی داری $Sig=0/000$ شده است و چون این

مقدار کمتر از $(\alpha=1\%)$ ، یعنی $(Sig<\alpha)$ ، می توان دریافت که فرض نقیض ادعا (H_0) رد شده و

فرض ادعا (H_1)، تأیید می شود؛ بنابراین فرض خطی بودن رابطه متغیرهای مستقل با متغیر

وابسته تأیید می شود.

ضریب همبستگی و ضریب تعیین چند متغیره:

بر اساس داده های تحقیق مسئله ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین این تحقیق طبق

جدول (۱۱)، به صورت زیر می باشد: ضریب همبستگی چندگانه با مقدار $72\%/80$ درصد نشان

می دهد که شدت رابطه متغیرهای مستقل به طور کلی با متغیر وابسته یعنی کیفیت

تصمیم گیری در مسائل مالی در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین به چه میزان است. ضریب

تعیین با $53\%/30$ درصد نشان دهنده تغییر پذیری (انحراف) در متغیر وابسته است. که می توان

به وسیله معادله رگرسیون آن ها توضیح داد.

¹ Regression

² Residual

³ Total

جدول ۱۱- ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین- واتسون
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	۰/۷۲۸ ^a	۰/۵۳۰	۰/۵۲۷	۱/۶۷۹۸۰	۱/۹۴۶

a. Predictors: (Constant), راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران

b. Dependent Variable: کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران

آزمون دوربین- واتسون: آزمون استقلال خطاها (باقیمانده‌ها)

یکی از مفروضه‌هایی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی توسط مدل رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین- واتسون استفاده می‌شود که چنانچه مقدار آن در بازه ۲,۵ تا ۱,۵ قرار گیرد H_0 آزمون (عدم همبستگی بین خطاها)، پذیرفته می‌شود و در غیر این صورت H_0 رد می‌شود (همبستگی بین خطاها وجود دارد). برای رسیدن به این مهم از آزمون دوربین- واتسون می‌توان استفاده کرد. مقدار این آزمون در جدول زیر محاسبه گردیده است. از آنجاکه این آماره‌ها در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار می‌گیرند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خطاها از یکدیگر مستقل بوده و می‌توان از مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده کرد.

جدول ۱۲- آزمون دوربین- واتسون

وضعیت	مقدار به دست آمده	مقدار مطلوب	آزمون
عدم همبستگی بین خطاها	۱/۹۴۶	$1/5 < d < 2/5$	آماره دوربین - واتسون

منبع: محاسبات پژوهشگران.

با توجه به این که آماره موردنظر در بازه ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد بنابراین عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود.

ارائه مدل رگرسیون خطی چند متغیره:

۱۲۱ بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و

پس از بررسی جداول مربوط به ضریب همبستگی برای ارائه مدل یک مدل رگرسیون چند متغیره استفاده می کنیم که به شرح زیر می باشد:

$$Y = \alpha + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + e_{i,t}$$

Y: کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، X_1 : راهبردهای خودکنترلی، X_2 : راهبردهای سواد مالی مدیران، $e_{i,t}$: خطای باقیمانده مدل رگرسیون.

جدول ۱۳- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

مدل رگرسیونی نهایی	Coefficients ^a		Standardized Coefficients Beta	t	Sig.
	Unstandardized Coefficients				
	B	Std. Error			
عدد ثابت (عرض از مبدأ)	۲/۰۴۴	۰/۹۳۷	-	۲/۱۸۲	۰/۰۳۰
راهبردهای خودکنترلی نهایی	۰/۵۰۴	۰/۰۵۰	۰/۴۸۹	۱۰/۰۵۵	۰/۰۰۰
راهبردهای سواد مالی مدیران	۰/۳۹۳	۰/۰۶۴	۰/۲۹۸	۶/۱۳۱	۰/۰۰۰

a. Dependent Variable: کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی سرمایه گذاران

منبع: محاسبات پژوهشگران.

در جدول (ضریب) متغیرهای معرفی شده در مدل رگرسیون پژوهش حاضر ارائه شده است. از این رو، مطابق نتایج تحلیل رگرسیون جدول شماره (۱۲)، با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0/000$ محاسبه شده در سطح اطمینان $99\% (\alpha = 1\%)$ ، نتایج بدین گونه حاصل شده است که؛ نشان داد که متغیرهای راهبردهای خودکنترلی و سواد مالی مدیران برای پیش بینی کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین در سطح اطمینان $99\% (\alpha = 1\%)$ ، معنادار می باشند ($Sig < 0/01$). همچنین، جهت اثرات دو متغیر موجود در مدل رگرسیون بر متغیر وابسته از ستون ضرایب استفاده می شود. بنابراین در این پژوهش نتایج حاصل از ضرایب معادله رگرسیون، نشان می دهد. که $50/40\%$ درصد از تغییرات متغیر وابسته کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین را متغیر راهبردهای خودکنترلی توجیه و تبیین می کند. همچنین، $39/30\%$ درصد آن را متغیر سواد مالی مدیران این تغییرات را توجیه و تبیین می کند. با توجه به ضرایب می توان گفت که متغیر راهبردهای خودکنترلی نسبت به متغیر مدیریت تأمین مالی و اعتباری بیشترین تأثیر را در کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند

زنجیره تأمین دارد. همچنین، خلاصه نتایج پژوهش حاضر در جدول شماره (۱۴)، نیز ارائه شده است.

جدول ۱۴- خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	نتیجه‌گیری
اصلی	بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.	تائید
اول	بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.	تائید
دوم	بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.	تائید
سوم	بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد.	تائید

تعیین وجود چند هم خطی^۱:

هم خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است باوجود بالا بودن ضریب تعیین (R^2)، مدل دارای اعتبار بالایی برخوردار نباشد. به عبارت دیگر باوجود آنکه مدل خوب به نظر می‌رسد ولی دارای متغیرهای مستقل معنی‌داری نمی‌باشد و این متغیرها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

جدول ۱۵- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

Collinearity Statistics	
VIF	Tolerance
-	-
۲/۱۳۵	۰/۴۹۵
۲/۱۵۹	۰/۴۵۶
۱/۲۸۶	۰/۷۷۹

منبع: محاسبات پژوهشگران.

^۱ Multicollinearity

نتایج این آزمون به صورت جدول (۱۵) است. در جدول فوق شاخص تلورانس^۱ و عامل تورم واریانس^۲ (VIF) ارائه شده است. شایان ذکر بوده که هرچقدر تلورانس کمتر (نزدیک به صفر) باشد، اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تلورانس بوده هرچقدر افزایش یابد باعث می شود. واریانس ضرایب رگرسیون را برای پیش بینی نامناسب سازد. با توجه به ستون آخر جدول (۱۵) مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از عدد پنج ($VIF < 5$) می باشد. بنابراین، بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می باشد.

۵- بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی و کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. از منظر روش شناسی، پژوهش حاضر بر مبنای هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده ها نیز یک پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر نیز شامل کلیه مشارکت کنندگان فعال بورس اوراق بهادار تهران (خبرگان دانشگاهی و بازار سرمایه، سرمایه گذاران، معامله گران، کارگزاران رسمی بورس اوراق بهادار ایران)، می باشد. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، به تعداد ۳۸۴ نفر نمونه آماری به روش نمونه گیری تصادفی ساده و طبق جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. در این پژوهش، راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران به عنوان متغیره مستقل و تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین هم به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش جمع آوری داده ها با استفاده از روش کتابخانه ای و اطلاعات میدانی انجام گردیده است. ابزار گردآوری داده ها نیز بر اساس پرسشنامه نیمه ساختاریافته بوده است.

- در خصوص نتیجه فرضیه اصلی پژوهش حاضر می توان گفت که مطابق نتایج ضریب همبستگی بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری

¹ Tolerance

² Variance inflation factor (VIF)

معناداری وجود دارد. در این راستا؛ شن و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلافات مالی پرداختند. طبق بررسی‌های انجام‌شده نتایج پژوهش آنان نشان داد هرچه سواد مالی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، به همان میزان منجر به کاهش اختلافات مالی در شرکت‌ها می‌شود. همچنین با افزایش سواد مدیریت پول و پس‌انداز، سواد مدیریت تأمین مالی و اعتباری و سواد برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری، سواد مالی کاهش می‌یابد. هواسین و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلافات مالی پرداختند. طبق تحلیل‌های انجام‌شده نتایج نشان داد که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد. ساچز و همکاران (۲۰۱۲)، در قسمت اول مقاله خود تحت عنوان مخاطره سرمایه‌گذاری، به بررسی میزان سواد مالی و ارتباط آن با درک مخاطره سرمایه‌گذاری در آلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سواد مالی در ارتباط با تحلیل و درک مخاطره، با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد و بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون، تفاوت بسیار جزئی در ترکیب مدل‌های درک مخاطره بین سرمایه‌گذاران وجود دارد. آن‌ها همچنین در قسمت دوم مقاله خود، به بررسی تأثیر جنسیت، سن، تجربه سرمایه‌گذاری بر ارتباط سواد مالی و درک مخاطره سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که اختلاف معناداری بر اساس این عوامل در ارتباط با سواد مالی و درک از مخاطره وجود دارد.

- در خصوص نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش حاضر می‌توان گفت که مطابق نتایج ضریب همبستگی بین راهبردهای سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد. در این راستا؛ مارتین و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سواد مالی و مشارکت در بورس پرداختند. و به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ‌دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم و ارزش زمانی پول نمایش می‌دهند. با این حال، تعداد بسیار کمی از آن‌ها مفاهیم اساسی فراتر از این را می‌دانستند، بسیاری از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول تنوع ریسک را نمی‌دانستند و نروژ و دیگران (۲۰۱۱)، در مقاله خود با عنوان سواد مالی و برنامه‌ریزی بازنشستگی در هلند، به بررسی رابطه سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی

افراد در هلند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که پیچیدگی تصمیم‌گیری مالی در خانوارها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و به نظر می‌رسد با این شرایط، خانوارها با فقدان سواد مالی برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، از جمله در رابطه با نحوه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خود، مواجه هستند. بنابراین، یک رابطه مثبت معنادار، بین سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی، در هلند وجود دارد، به این معنی که افرادی که دارای سواد و آگاهی مالی بیشتری هستند، در برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی خود تواناتر هستند. دلیون و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان آموزش سواد مالی در یک مدل رایگان، به بررسی تأثیر سواد مالی بر عملکرد افراد در محیط اقتصادی پرداخته‌اند. آن‌ها نمونه انتخابی خود را به دو گروه تقسیم کرده و فقط به یک گروه آموزش سواد مالی ارائه کردند. نتایج نشان داد که فقدان آموزش لازم در زمینه سواد مالی در گروه دیگر، باعث افزایش میزان بدهی و گرایش آن‌ها به وام خواهد بود.

- در خصوص نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت که مطابق ضریب همبستگی بین راهبردهای خودکنترلی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد. در این راستا، ون روز و لوساردی (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان سواد مالی و مشارکت در بازار سهام، دو مدل خاص برای اندازه‌گیری سواد مالی و مطالعه ارتباط آن با مشارکت در بورس، به وسیله نظرسنجی از خانوارها ارائه نمودند. آن‌ها دریافتند که اکثر پاسخ‌دهندگان اطلاعات پایه و ابتدایی مالی و مفاهیمی مانند نرخ بهره، تورم و ارزش زمانی پول را درک می‌کنند. با این حال تعداد اندکی از مفاهیم اساسی اطلاع دارند. به علاوه خیلی از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول متنوع سازی مخاطره را نمی‌دانند و از همه مهم‌تر، آن‌ها دریافتند که سواد مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم درک اقتصادی و امور مالی یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از سوی دیگر افراد باسواد مالی کم، کمتر احتمال دارد در سهام سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاران با تحصیلات یا ثروت پایین، به احتمال زیاد اقدام به نگهداری سبدهای متنوع ضعیف می‌کنند و مشخصات عمومی جمعیتی سرمایه‌گذاران ناآگاه بسیار شبیه افراد باسواد پایین در نمونه است. مارتین و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سواد

مالی و مشارکت در بورس پرداختند. همچنین، به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ‌دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم و ارزش زمانی پول نمایش می‌دهند. باین‌حال، تعداد بسیار کمی از آن‌ها مفاهیم اساسی فراتر از این را می‌دانستند، بسیاری از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول تنوع ریسک را نمی‌دانستند و ن روژ و دیگران (۲۰۱۱)، در مقاله خود با عنوان سواد مالی و برنامه‌ریزی بازنشستگی در هلند، به بررسی رابطه سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی افراد در هلند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که پیچیدگی تصمیم‌گیری مالی در خانواده‌ها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و به نظر می‌رسد با این شرایط، خانواده‌ها با فقدان سواد مالی برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، از جمله در رابطه با نحوه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خود، مواجه هستند. بنابراین یک رابطه مثبت معنادار، بین سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی، در هلند وجود دارد، به این معنی که افرادی که دارای سواد و آگاهی مالی بیشتری هستند، در برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی خود تواناتر هستند.

- در خصوص نتیجه فرضیه فرعی سوم پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت که مطابق نتایج ضریب همبستگی بین راهبردهای سواد مالی و راهبردهای خودکنترلی مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه آماری معناداری وجود دارد. در همین راستا، هوشین و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلافات مالی پرداختند. طبق تحلیل‌های انجام‌شده نتایج نشان داد که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد. ساچز و همکاران (۲۰۱۲)، در قسمت اول مقاله خود تحت عنوان مخاطره سرمایه‌گذاری، به بررسی میزان سواد مالی و ارتباط آن با درک مخاطره سرمایه‌گذاری در آلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سواد مالی در ارتباط با تحلیل درک مخاطره، با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد و بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون، تفاوت بسیار جزئی در ترکیب مدل‌های درک مخاطره بین سرمایه‌گذاران وجود دارد. آن‌ها همچنین در قسمت دوم مقاله خود، به بررسی تأثیر جنسیت، سن، تجربه سرمایه‌گذاری بر ارتباط سواد مالی و درک مخاطره سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که

اختلاف معناداری بر اساس این عوامل در ارتباط با سواد مالی و درک از مخاطره وجود دارد. ون روژ و لوساردی (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان سواد مالی و مشارکت در بازار سهام، دو مدل خاص برای اندازه‌گیری سواد مالی و مطالعه ارتباط آن با مشارکت در بورس، به‌وسیله نظرسنجی از خانوارها ارائه نمودند. آن‌ها دریافتند که اکثر پاسخ‌دهندگان اطلاعات پایه و ابتدایی مالی و مفاهیمی مانند نرخ بهره، تورم و ارزش زمانی پول را درک می‌کنند. باین‌حال تعداد اندکی از مفاهیم اساسی اطلاع دارند. به‌علاوه خیلی از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول متنوع‌سازی مخاطره را نمی‌دانند و از همه مهم‌تر، آن‌ها دریافتند که سواد مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم درک اقتصادی و امور مالی یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از سوی دیگر افراد باسواد مالی کم، کمتر احتمال دارد در سهام سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاران با تحصیلات یا ثروت پایین، به‌احتمال زیاد اقدام به نگهداری سبدهای متنوع ضعیف می‌کنند و مشخصات عمومی جمعیتی سرمایه‌گذاران ناآگاه بسیار شبیه افراد باسواد پایین در نمونه است. مارتین و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سواد مالی و مشارکت در بورس پرداختند. همچنین، به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ‌دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم و ارزش زمانی پول نمایش می‌دهند. باین‌حال، تعداد بسیار کمی از آن‌ها مفاهیم اساسی فراتر از این را می‌دانستند، بسیاری از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول تنوع ریسک را نمی‌دانستند.

پیشنهاد پژوهشی برای پژوهشگران آتی

با توجه به نتیجه آزمون فرضیه اصلی بین سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد. بنابراین به مدیران توصیه می‌شود به دنبال تقویت و افزایش سواد مالی و تجاری در کارکنان و مدیران سازمان خود باشند. اگر کارکنان خود را باسواد مالی و به‌درستی اهرم ابزار مالی مجهز کنند، مدیران به‌طور پیشگیرانه می‌توانند و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین مالی را افزایش دهند و روش نگرش مثبت برای حل‌وفصل مشکلات مربوط به تصمیم‌گیری‌های متفاوت مالی در شرکت‌ها را بهبود ببخشند.

فهرست منابع

اسلامی بیدگلی، سعید؛ کریم‌خانی، میثم. (۱۳۹۵). سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی - اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی*، ۱۸(۲)، ۲۵۱-۲۷۴.

افتخاری علی‌آبادی، اکبر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۲(۴۱)، ۲۹-۴۳.

ایزدی، منصوره. (۱۳۹۱). تأثیر سواد مالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

تابان، محمد؛ نورا صدیق، میترا؛ عبدالهی، بیژن؛ یاسینی، علی؛ صیدی، فریده (۱۳۹۱) رابطه هوش معنوی و خودکنترلی میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، (۲) ۵، ۶۶۹-۶۹۴.

حسینی آهنگری، سید عابدین؛ ضیایی، ثریا؛ سهیلی، فرامرز؛ موسوی چلک، افشین. (۱۳۹۸). مطالعه سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی با الگوهای «خوداستنادی» و «نرخ کل استنادات» در مقالات نویسندگان برتر دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران. *پژوهش نامه علم سنجی*، ۵(۱۰)، ۱۲۵-۱۴.

رحمتی، سحر؛ نایب زاده، شهناز. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سواد و کارآفرینی بر عملکرد (مطالعه موردی: شرکت‌های فولاد یزد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

رسولی، ولی الله، بهرامفر، تقی. (۱۳۷۷). ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیریت، *بررسی‌های حسابداری*، ۷(۱)، ۱۰۹-۸۶.

زارع رئیس‌آبادی، ابوطالب؛ محمود معین‌الدین؛ شهناز نایب‌زاده. (۱۳۹۲). بررسی سواد مالی مدیران (مطالعه موردی شهرستان یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده علوم انسانی ۱۳۹۲.

زند، اسرا؛ رنجبر فلاح، محمدرضا؛ کارشناسان، علی؛ (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سواد مالی، مشارکت در بازار سهام و رفتار پس‌انداز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و ۱۲۹

مصصامی، محمود؛ معین‌الدین، محمود؛ حیرانی، فروغ. (۱۳۹۲). سواد مالی و مشارکت در بازار سهام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده حسابداری و مدیریت.

ضیایی پور، امیر و حسین میلادیان، (۱۳۹۵). تأثیر سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسر مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری، گرگان، گروه آموزش و پژوهش شرکت مهندسی بارو گستر پارس، دانشگاه فرهنگیان استان گلستان (https://www.civilica.com/Paper-NCPIM02-NCPIM02_080.html)

طغیانی، مهدی؛ مرادی باصیری، امین. (۱۳۹۵). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۱۶)، ۲۲۷-۲۶۰.

علیزاده کتلولئی، لیلا؛ احمدی، غلامعلی؛ امام جمعه، سید محمدرضا. (۱۳۹۶). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲(۲۰)، ۱۷۹-۱۹۲.

قالمق، کریم، یعقوب نژاد، احمد؛ فلاح شمس، میر فیض. (۱۳۹۵). تأثیر سواد مالی بر تورشهای رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۴(۱۶)، ۷۵-۹۴ (<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=305209>)

کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، (۱۳۸۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

محمدی جواد، فخاری حسین. (۱۳۹۵). تأثیر خودکنترلی و تعهدات دینی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات. *فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*. ۱۳۹۵؛ ۱(۲)، ۴۱-۶۳.

مرادی، جواد، ایزدی، منصوره. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سواد مالی سرمایه‌گذاران بر تصمیم سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۴(۱۳)، ۱۲۷-۱۵۰.

ملازاده، محمد، لاری دشت بیاض، محمود و ساعی، محمدجواد. (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۸(۳۰)، ۳۷-۵۹.

مولایی ورزنده، امیر حسین، رستمی، امین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اختلافات مالی وسواد مالی (مطالعه موردی: شرکتهای مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان). پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد؛ اصفهان، ایران
(<https://thesis.iaun.ac.ir/view.php?stdnum=39206744>)

یعقوب نژاد، احمد؛ نیکومرام، هاشم؛ معین الدین، محمود. (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش
سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق
بهدار*، ۲(۸)، ۴۹-۱.

Hastings, J. S., Madrian, B. C., & Skimmyhorn, W. L. (2012). Financial Literacy, Financial Education and Economic Outcomes. Nber Working Paper Series. National Bureau of Economic Research. Retrieved from <http://www.nber.org/papers/w18412>.

Hausman, W.H., (2005). "financial flows & supply chain efficiency", stanford university, department of management science & engineering.

Hofman, E., Belin, O., (2011). supply chain finance solution: relevance, proposition, market value.

Hofmann, E., (2005). "Supply chain finance: some conceptual insights", Lasch R., Janker CG.

Jump Start Coalition. (2007). National Standards in K-12 Personal Finance Education. Jump\$Start Coalition for Personal Financial Literacy.

Kohlberg, L., Likona, T. ed. (1976). Moral Stages and moralization: The cognitive-developmental approach, Moral Kewelopment and Behavior, Theory Research and Social Issues, 43-44.

Lusardi, Annamaria and Olivia Mitchell (2007b). "Financial Literacy and Retirement Preparedness. Evidence and Implications for Financial Education," Business Economics, January 2007, pp. 35-44.

Lusardi, Annamaria and Olivia Mitchell (2007c). "Financial Literacy and Retirement Planning: New Evidence from the Rand American Life Panel," MRRC Working Paper n. 2007-157.

Lusardi, Annamaria and Olivia Mitchell (2008). "Planning and Financial Literacy: How Do Women Fare?," forthcoming American Economic Review, May 2008.

Lusardi, Annamaria and Peter Tufano (2008). "Debt Literacy, Financial Experience, and Overindebtedness," mimeo, Harvard Business School.

Lusardi, A., Mitchell, O.S. (2007). Financial Literacy: Implications for Retirement Security And the Financial Marketplace. Oxford University Press, Oxford, U.K., in press, <http://www.dartmouth.edu/~alusardi/Papers/FinancialLiteracy.pdf>.

Van Rooij, M.C.J.; Lusardi, A.; Alessie, J.M. R., (2011). Financial literacy and stock market participation. *J. Financial. Economic*, Elsevier., 101(2): 449-472.

Remund, D. L. (2010). Financial Literacy Explicated: The Case for a Clearer Definition in an Increasingly Complex Economy. *The Journal of Consumer Affairs*, 44 (2), 276-295.

Shen, C, Lin, S, Tang, D, & Hsiao, Y. (2016). The relationship between financial disputes and financial literacy . *Pacific-Basin Finance Journal*, vol 36, 46-65

Shen, C.H., Lin, J.S., Tang, D.P., Hsiao, Y.J., (2015). Self-control, financial literacy and harmful consumer credit behavior in Taiwan market. *Acad. Econ. Pap.* (in press).

Shen, C.H., Lin, J.S., Tang, D.P., Hsiao, Y.J., (2015). Self-control, financial literacy and harmful consumer credit behavior in Taiwan market. *Acad. Econ. Pap.* (in press).

The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), (2005). "Improving Financial Literacy", OECD Publishing, Paris.

The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), (2019). "pisa 2021 financial literacy analytical and assessment framework.", OECD Publishing, Paris. April 2019.

Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R., (2011). Financial literacy and retirement planning in The Netherlands. *J. Econ. Psychol.* 32, 593–608.

Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R., (2012). Financial literacy, retirement planning and household wealth. *Econ. J.* 122, 449–478.